



محلات منطقه ما :

چه‌نو، شیرودی، کارمندان اول، کارمندان دوم، محمدآباد، شهید مصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، معقول، کشاورز، پورسینا، موعود، اروند، انصار و شهید باهنر

هفته‌نامه محلی مردم مشهد / شماره ۲۵۲ / دوشنبه / ۲۶ تیر ۹۶
Shahrara.com/neighborhoods.html

پزشک محله پورسینا ۱۵ سال پیش
مطبش را در حاشیه شهر دایر کرد
تاسهمی در کمک به نیازمندان داشته باشد

اتفاقا به من ربط دارد!



۷۹۶

شهر محله‌ها

چیدن جهیزیه عروس در پیاده‌رو تنها یک رسم نیست
تأثیر خرده فرهنگ بر جامعه است

۵۰۴

جهیزیه خیابانی



عکس: شهرآرا محله

از کار آفرینی تا تربیت نسلی ورزشکار
کانون فرزندان امام (ره) برگزاری می‌کند



۳

نصب پلاک افتخار پهلوان ریاحی
هم‌زمان با روز فرهنگ و ورزش زورخانه‌ای در منطقه ۶ صورت گرفت



۲



همزمان با روز فرهنگ و ورزش زورخانه‌ای در منطقه ۶ صورت گرفت

نصب پلاک افتخار پهلوان ریاحی

شوشتری

بی تجربگی قبول کردم. لباسمان را در آوردیم، شلوار زورخانه‌ای مان را هم تن کردیم و رفتیم در صف ورزشکاران ایستادیم. چند دقیقه که گذشت، درست زمان برگزاری مراسم یکی از مسئولان جلو آمد و با عصبانیت گفت: «چرا لخت شدید؟» بعد جلوی دیگران ما دونفر را از صف بیرون انداخت. من ناراحت نشدم، ولی به دوستم خیلی بر خورده بود. همان طور که داشتیم به خانه برمی گشتیم و از بست پایین خیابان عبور می کردیم، دوستم روبه امام رضاع (کرد و گفت: «آقا دیدی چه بر خوردی با ما کردند.» بعد از این ماجرا، دوستم نیامد زورخانه و ورزش را کنار گذاشت. اما من ادامه دادم. درست یک سال بعد، در همان تاریخ که ما را از صف بیرون انداخته بودند، باز مراسم و برنامه‌ای پیش آمد. برنامه‌ای که تا من نرفتم آن را آغاز نکردند و به محض اینکه پایم به گود رسید، یکی لباس مخصوص اجرا برابرم آورد و دیگری لباس تنم را گرفت!

استاد بعد از تعریف این خاطره با بیان اینکه هر چه دارم از ورزش دارم، گفت: «آن روز امام رضاع (لطف کرد تا من بزرگ این گود شوم. برای همین امروز به نوجوانان و جوانان توصیه می کنم، در ورزش زودرنج نباشند و ثابت قدم بمانند.»

۴ با ورزش خودم را نشان دادم

استاد ریاحی در ادامه صحبت هایش، خاطره ای از پشتکار و تلاشش تعریف و بیان کرد: «آن زمان که من ورزش را شروع کردم، در زورخانه‌ها سه گروه را خیلی تحویل می گرفتند. گروه اول کسانی که چاقو می کشیدند، البته نه مثل بعضی از امروزی‌ها که با چاقو چنان می زند که فرد به بیمارستان هم نمی رسد. آن زمان فقط با سر چاقویک خط می انداختند. گروه دوم پولدارها و گروه سوم هم کسانی که برای ورزش زحمت زیاد می کشیدند. من با خودم دودوتا کردم و دیدم پول که ندارم، اهل چاقو و تیزی هم که نیستیم، پس بهتر است تلاش کنم. واقعا هم زحمت کشیدم و خداروشکر از همین ورزش به همه چیز هم رسیدم.»

در این مراسم گروهی از نوجوانان باستانی کار گود زورخانه شهرداری که به نام استاد ریاحی است، به صورت نمادین به ورزش و چرخ زدن پرداختند.



هم زمان با ۲۱ تیر ماه که به نام فرهنگ و ورزش زورخانه‌ای نام گذاری شده است، پلاک افتخار بر سردر منزل باستانی کار خیابان شهید رستمی نصب شد.

به گزارش شهر آرمحله، این مراسم هفته گذشته در محل منزل پیش کسوت باستانی کار، حسن ریاحی و با حضور شهردار منطقه ۶، مدیر تربیت بدنی معاونت فرهنگی شهرداری، دبیر هیئت باستانی و کشتی استان و جمعی از مردم برگزار شد.

قاسم زوکی نژاد در ابتدای این مراسم ورزش و پرداختن به ورزش را امری ضروری خواند که مورد تأکید و تأیید دین اسلام است. وی با بیان اینکه اسلام بدن انسان را ابزار تکامل روح می داند، ادامه داد: «در فرهنگ اسلام، ورزش، نقشی فراتر از پرورش جسم را دارد.»

وی تأکید کرد: «اگر ورزش تنها در پرورش جسم خلاصه نشود، انسان را به تکامل و تعالی نزدیک می کند و سنت پهلوانی ثمره همین پیوند ورزش و اخلاق است.» زوکی نژاد تجلیل از افرادی را که در احیای ورزش زورخانه‌ای نقش داشته اند، مهم و تأثیرگذار خواند و گفت: «نصب پلاک افتخار بر سردر منزل استاد ریاحی و همچنین نام گذاری گود زورخانه شهرداری به نام ایشان هم در همین راستاست.»

۴ امام رضا (ع) خواست تا من بزرگ آن گود باشم

در ادامه این مراسم، استاد ریاحی خاطراتی از دوران نوجوانی و جوانی اش بیان کرد که نقش مهمی در ادامه فعالیت های ورزشی اش داشتند. پیش کسوت ورزش زورخانه‌ای تعریف کرد: «برادرم مربی کشتی بود که باعث شد به این ورزش علاقه مند شوم و همین شد که در ۱۵ یا ۱۶ سالگی رفتن به زورخانه را شروع کردم. خیلی آداب و رسوم این ورزش رانمی دانستم؛ برای همین هر کسی چیزی می گفت، اجرامی کردم. وقتی هم که وارد زورخانه شدم، یکی از دوستانم در آنجا بود. او از من با سابقه تر بود. از آنجایی که کسوت بیشتری داشت، احترامش را نگه می داشتم و حرفش را زمین نمی زدم. یک روز استانداری مراسمی داشت و قرار شده بود ورزشکاران زورخانه‌ای در آن برنامه اجرا کنند. دوستم پیشنهاد کرد لباسمان را از تن در آوریم و برای اجرا برویم در صف بایستیم. من هم از سر



خبر



شهردار منطقه ۶ مشهد در مرکز ۱۳۷ عنوان کرد:

بهره برداری پل میدان عدالت در ابتدای شهریور ماه

شهردار منطقه ۶ از بهره برداری پل میدان عدالت در شهریور ماه سال جاری خبر داد.

به گزارش شهر آرمحله، قاسم زوکی نژاد با حضور در مرکز ۱۳۷ به تماشای شهر و ندان پاسخ گفت و به بررسی مشکلات آن ها پرداخت. شهروندی طی تماس با مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ درباره ملکی در خیابان حر ۵۱ که به اتباع بیگانه اجاره داده شده و آنجا را تبدیل به انبار ضایعات و معتادان کرده اند، گلایه داشت که زوکی نژاد در پاسخ به این شهروند گفت: «این موارد باید از طریق اداره بهداشت و دستگاه قضایی پیگیری شود.» یکی از کسبه های میدان عدالت درباره زمان تکمیل پل در این منطقه سؤال داشت که این مدیر شهری در پاسخ به این شهروند گفت: «تلاش می کنیم این پل را تا دهه اول شهریور تکمیل و بهره برداری برسانیم.»

آن روز امام رضا (ع) لطف کرد تا من بزرگ این گود شوم. برای همین امروز به نوجوانان و جوانان توصیه می کنم، در ورزش زودرنج نباشند و ثابت قدم بمانند

یکی از ساکنان خیابان شهید صادقیه ۶ ضمن تشکر بابت فضای سبز ایجاد شده در حاشیه صدمتری، خواستار تخریب دیوار شهرک شد که شهردار منطقه ۶ مشهد در پاسخ به این شهروند گفت: «قسمتی از دیوار شهرک تخریب شده اما قسمت دیگر درخت دارد و نمی شود درخت هارا قطع کرد.» شهروندی طی تماس با مرکز ۱۳۷ با اشاره به ایجاد چاله بزرگ وسط خیابان بسیج ۳۰ اظهار کرد: «شهرداری برای برطرف سازی این چاله اقدام به بتن بیزی کرد اما چون آب به بتن نداده اند، همه ترک خورده است.»

شهردار منطقه ۶ مشهد در پاسخ به این شهروند گفت: «در رابطه با بتن به پیمانکار اخطار داده می شود.»

یکی از ساکنان خیابان مصلی یک درباره تکمیل پل مصلی ۳ و تأخیر در اتمام آن گلایه داشت که این مدیر شهری در پاسخ به این شهروند گفت: «پروژه با سرعت زیادی در حال انجام است و تا اواخر مرداد تمام می شود.»

یکی از ساکنان فولادی ۳۳ در خصوص تخریب جدول مقابل منزل خود گلایه داشت که زوکی نژاد در پاسخ به این شهروند قول بازدید از محل را داد.

شهروند دیگری در گفتگو با این مدیر شهری خواستار تقدیر و تشکر از مأمور رفتارگر خیابان صادقیه شد.

یکی از ساکنان خیابان مصلی ۲۸ در تماس با مرکز ارتباطات مردمی شهرداری مشهد با بیان اینکه سطل زباله این خیابان مملو از سوسک و پشه و مگس شده است، درخواست جابه جایی آن را داشت که این مدیر شهری قبول بازدید از محل را داد.



خبر

D

در سالن ورزشی رجا برگزار شد

حضور ۲۰۰ بانوی ورزشکار در کارگاه تخصصی والیبال

شجاع- اولین کارگاه تخصصی والیبال در سالن رجا و با حضور ۲۷۰ بانوی ورزشکار برپا شد. به گزارش شهردار امحلہ، در این کارگاه آموزش‌های پایه‌ای والیبال توسط مدرسین بین‌المللی به بانوان ارائه شد. تکنیک و تاکتیک‌های روز والیبال، قوانین و مقررات این ورزش و دستورالعمل مسابقات هشتمین دوره المپیاد فرهنگی ورزشی محلات از مواردی بود که به علاقه‌مندان آموزش داده شد. در انتهای این کارگاه نیز بانوان زیر نظر مدرسین به تمرین عملی پرداختند.

همچنین تست عملی برای انتخابی تیم امید مشهد بین دختران متولد سال‌های ۷۷ تا ۸۳ نیز در همین کارگاه صورت گرفت. در پایان این کارگاه ضمن اعطای گواهینامه، از علاقه‌مندان به مسابقات والیبال محلات ثبت‌نام شد.

لاس‌های مهارت‌آموزی کانون فرزندان امام (ره) به واسطه ارائه مدرکی که در پایان دوره آموزشی می‌دهد، متقاضی فراوانی دارد. بسیاری از این افراد هم با پایان دوره خوداشتغالی، کار در خانه را شروع می‌کنند.

D

شهردار منطقه ۶ خبر داد

احداث کانال‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی نیش بسیج ۳۰

شهردار منطقه ۶ از احداث کانال‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی در خیابان بسیج ۳۰ خبر داد.

به گزارش شهردار امحلہ و به نقل از روابط عمومی شهرداری منطقه ۶ مشهد، قاسم زوکی نژاد با اعلام این خبر گفت: «هدایت و جمع‌آوری آب‌های سطحی یکی از دغدغه‌های مهم مدیریت شهری در حاشیه شهرهاست؛ چراکه به واسطه بافت فرسوده و غیراصولی آن، بسیاری از اصول و قواعد شهرسازی رعایت نشده و شهروندان را با مشکل مواجه می‌کند.»

وی به آماده‌سازی زیرساخت‌های لازم برای این امر در منطقه اشاره کرد و گفت: «اقدامات مختلفی در این زمینه در منطقه به انجام رسیده و اعتبارات قابل توجهی نیز هزینه شده است که خوشبختانه در حال حاضر وضعیت مطلوبی در این زمینه در منطقه وجود دارد.»

شهردار منطقه ۶ تأکید کرد: «در همین راستا عملیات اجرایی احداث کانال‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی در نیش خیابان بسیج ۳۰ در محدوده ناحیه ۲ این منطقه در دستور کار قرار گرفت و طی آن حدود ۱۳۰ متر طول کانال احداث شد.»

وی یادآور شد: «این طرح در مدت یک ماه اجرایی شده و اعتباری بیش از ۲۶۰ میلیون ریال نیز بدین منظور هزینه شده است.»



کانون فرزندان امام (ره) برگزار می‌کند

از کارآفرینی تا تربیت نسلی ورزشکار

شوشتوری

برگزاری کلاس‌های فنی حرفه‌ای، یکی از فعالیت‌های مهم «کانون فرزندان امام (ره)» است که در محله امیرآباد فعالیت می‌کند. به گزارش شهردار امحلہ این طرح که امکان اشتغال‌زایی در بین هنرآموزان را فراهم می‌آورد، با حضور مربیان فنی و حرفه‌ای مشهد اداره می‌شود. حرفه‌هایی چون خیاطی، نازک‌دوزی، کاربر گیاهان دارویی، پرورش قارچ، کیف‌دوزی و قالی‌بافی بخشی از مهارت‌های این کانون است که به اهالی محل آموزش داده می‌شود و علاقه‌مندان از سنین ۱۵ تا ۴۵ سال می‌توانند در دوره‌های تابستانی این کلاس‌ها شرکت کنند. این کلاس‌ها برای افرادی که مددجوی کمیته امداد باشند، رایگان و برای سایر افراد با هزینه‌اندکی برگزار خواهد شد.

به دلیل محدودیت مکان، این کتابخانه در دو شیفت روزانه فعالیت می‌کند و روزهای فرد و زوج به ترتیب در اختیار مردان و زنان است. ارائه مشاوره ازدواج، مذهبی، خانوادگی، شغلی و... نیز در محل این کانون صورت می‌گیرد. این مشاوره‌ها سه روز در هفته ویژه مردان و سه روز دیگر هم ویژه زنان است. افرادی که نتوانند به صورت رایگان یا با تخفیف ویژه و پرداخت کمترین هزینه از مشاوره‌های این کانون در محله استفاده کنند.

فعال شدن ۶ کلاس ورزشی ویژه تابستان

یکی از فعالیت‌های مهم در کانون فرزندان امام (ره) فعالیت‌های ورزشی است. بر اساس دوره‌های آموزشی که تاکنون برگزار شده تعدادی به مسابقات استانی و کشوری راه یافته‌اند. حضور نوجوانان فوتسال این کانون در مسابقات کشوری از جمله همین موارد است. به دنبال همین موفقیت‌ها این کانون در تابستان امسال علاوه بر فوتبال و فوتسال، کلاس‌های ورزشی بینگ‌پنگ، فوتبال دستی، تکواندو و شنا برگزار می‌کند. علاقه‌مندان در این رشته‌ها بعد از گذراندن کلاس‌ها، با شرکت در آزمون مربوطه می‌توانند مدرک گرفته و با آن در مکان‌های مختلف مربیگری کنند.

برگزاری دوره‌های آموزشی قرآن و کلاس‌های تقویتی

آموزش قرآن در بخش‌های روخوانی، روان‌خوانی، حفظ، قرائت و... از دیگر کلاس‌های پر مخاطب کانون فرزندان امام (ره) است. در این کلاس‌ها که از سن ۳ تا ۶۰ سال مخاطب دارد، افراد نه تنها قرآن را آموزش می‌بینند؛ بلکه با احکام نیز آشنا می‌شوند. همچنین برای تقویت پایه درس‌های دانش‌آموزان به ویژه آن‌هایی که نتوانسته‌اند در امتحانات پایان سال تحصیلی نمره قبولی کسب کنند، کلاس‌های تقویتی زبان انگلیسی، ریاضی و فیزیک برگزار می‌شود.

عضویت فقط با ۳ هزار تومان در کتابخانه

تنها کتابخانه خیابان‌های ابتدایی حر که مجهز به سالن مطالعه نیز است، در این کانون قرار دارد. این کتابخانه هم‌زمان با روزهای تابستان فعال است و افرادی می‌توانند برای استفاده از سالن و کتاب‌ها با پرداخت سه هزار تومان به ازای یک سال عضو شوند. در این کتابخانه ۳۰۰ سندلی برای مطالعه وجود دارد و ۶ هزار جلد کتاب فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، رمان و... هم برای امانت‌بردن.

توانمند شدن ۸۵ خیاط

کلاس‌های مهارت‌آموزی کانون فرزندان امام (ره) به واسطه ارائه مدرکی که در پایان دوره آموزشی می‌دهد، متقاضی فراوانی دارد. بسیاری از این افراد هم با پایان دوره خوداشتغالی، کار در خانه را شروع می‌کنند که تاکنون ۸۵ نفر در رشته خیاطی موفق به خوداشتغالی شدند. از آن جایی که تعدادی از این افراد کم‌بضاعت هستند، با کمک حامیان برای آن‌ها چرخ خیاطی خریداری شده و سفارش کار هم از تولیدکنندگان انبوه گرفته شده می‌شود.

برگزاری کلاس‌های هنری از طراحی تا تزئین منزل

کلاس‌های هنری یکی دیگر از برنامه‌های کانون فرزندان امام (ره) است. در این کلاس‌ها به علاقه‌مندان مهارت‌های هنری شامل طراحی با سیاه قلم روی بوم، نقاشی روی شیشه، سفال، بافتنی و... آموزش داده می‌شود. همچنین افراد در این کلاس‌ها خوش‌نویسی یاد می‌گیرند و با کارهای تزئینی خانه (سرهم و نمودوزی) آشنا می‌شوند که می‌توانند در خانه با آن درآمد کسب کنند.



چیدن جهیزیه عروس در پیاده‌رو تنها یک رسم است تأثیر خرده فرهنگ بر جامعه است

جهیزیه خیابان



قاسمی - بساطشان را که می بینم با روی ترمز می گذارم و ماشین را بین وانت نیسان و پراید نقره‌ای جای می‌دهم که در حاشیه «چمن» جا خوش کرده‌اند. به آن طرف خیابان می‌روم. اعتراف می‌کنم تا به حال بساطی به این بزرگی ندیده بودم. بشقاب‌های چینی به شکل منظمی روی تکه‌های فرش و روپوشی چیده شده است. همه این‌ها در فضای بازی قرار دارد که حاصل عقب‌نشینی‌های نامنظم این خیابان است. انگار که دست گذاشته باشی روی دیوارها و آن را کمی عقب‌هل داده باشی تا کمی جا باز کند. حالا این فضا بهترین جا برای بهین کردن چنین بساط‌هایی است. مثل بقیه مردم دوست دارم از یک گوشه شروع کنم به تماشای اجناس. یکی از سرویس‌های چینی، طرح متفاوتی دارد. گل‌ها و برگ‌هایی که به شکلی زیبا پر جسته شده‌اند و نمای خاصی به آن داده‌اند. چند سرویس چینی دیگر هم هست که هر کدام به شکل منظمی چیده شده‌اند؛ البته طوری که همه تکه‌های آن به چشم بیاید. از کنار زنی که با دقت بشقاب‌ها را نگاه می‌کند، می‌گذرم و درست مثل چند زن دیگر که با دقت تک‌تک طرف‌ها را تماشایی کنند، روی زانومی نشینم. این طوری می‌توانم چند تایی هم عکس بگیرم. دختر جوانی که آن طرف نشسته و باز دیدکنندگان را می‌پاید، بار اول مانع عکس گرفتارم می‌شود. می‌گویند: «همینجوری نگاه کنید دیگه چرا عکس می‌گیرین؟» زنی که نشانه به‌شانه‌ام نشسته و با دقت تعدادی از ظرف‌ها را می‌شمارد، ابرویی بالا می‌دهد و می‌گوید: «فقط چهار دست سرویس قابل‌مهمه برایش گذاشتن!» صدای زنی از آن طرف به گوش می‌رسد: «خانم قیمت این پتوها چقدره؟» یکی از دودختر جوان با حالتی کلافه خودش را کنج دیوار می‌اندازد و در حالی که چهار زانو می‌نشیند، دست‌هایش را روی پاهای می‌کند و می‌گوید: «فروشی نیست» معلوم است از صبح تا حالا که ساعت از نیمه روز گذشته بازها و بازها این جمله را تکرار کرده‌اند. آن طرف‌تر با دیدن تعداد زیادی کفش‌های جفت شده رو به روی شوم، یک، دو، سه، چهار... و پانزدها پانزده جفت فقط کفش زنانه! چندین دست لباس خان، دکوری‌های عجیب و غریب، قلیان، انواع و اقسام ظرف و ظروف؛ مگر اینجا چه خبر است؟ برخی از زن‌ها که بالاخره متوجه شدند این اجناس فروشی نیست؛ بلکه جهیزیه عروس است که این‌طور مرتب و وسیع چیده شده، به بیچ افتاده‌اند. با دست وسایل را به هم نشان می‌دهند و پارچه‌های تاشده را زیر و رو می‌کنند. دودختر جوانی که کل دیشب را به چیدن وسایل عروسشان مشغول بودند، حالا نقش دونه‌باز خسته و خواب‌آلود را ایفا می‌کنند. در حالی که نای حرف زدن هم ندارند. با همه این حرف‌ها بدشان نمی‌آید کمی از رسم و رسومشان جهیزیه مفصلی که به دخترهایشان می‌دهند، بگویند. مخصوصاً وقتی از مفصل بودن اسباب و وسایل می‌گویم اشتیاقشان برای توضیح دادن بیشتر می‌شود. «ما رسم داریم وسایلمان را این طوری بیرون بچینیم تا فامیل ببینند چه چیزهایی به خانه داماد می‌فرستیم. اگر این‌ها را در خانه بچینیم شاید خیلی به چشم نیاید یا فامیل همه چیز را نبینند. تازه برایمان حرف در می‌آورند.» خیلی برایشان مهم است تک‌تک اجناس دیده شود. برای همین است که همه چیز را به شکل منظم و با فاصله هم از هم چیده‌اند. یکی از دخترها خمیازه‌ای می‌کشد و ادامه می‌دهد: «کل دیشب را فقط ما دو تا این اجناس را چیدیم. چند ساعت دیگر وسایل برقی عروس را هم می‌آورند و همین‌طور سرویس چوب.» دختر جوان دیگر دست‌هایش را گذاشته روی زانوهایش و با لحنی افتخار آفرین می‌گوید: «ما رسم داریم همه جهاز را دختر بدهد. از ظرف و ظروف گرفته تا وسایل برقی و سرویس چوب...»

زن‌ها که بالاخره متوجه شدند این اجناس فروشی نیست؛ بلکه جهاز عروس است که این‌طور مرتب و وسیع چیده شده، به بیچ افتاده‌اند. با دست وسایل را به هم نشان می‌دهند و پارچه‌های تاشده را زیر و رو می‌کنند. دودختر جوانی که کل دیشب را به چیدن وسایل عروسشان مشغول بودند، حالا نقش دونه‌باز خسته و خواب‌آلود را ایفا می‌کند.

رسم داریم! از تکرار جمله «ما رسم داریم» شان استفاده می‌کنم و می‌پرسم اهل کجا هستند؟ می‌گویند «اهل همینجا» دیگه؛ مشهد» زنی که کمی آن طرف‌تر از ما ایستاده در فرصت مناسبی مرا کنار می‌کشد و می‌گوید: «این‌ها «غربتی» هستند و تنوی این کوچه زندگی می‌کنند» منظورش از غربتی همان «کولی»‌ها است. البته کوچه‌ای که کولی‌ها در آن زندگی می‌کنند به کوچه زابلی‌ها معروف است. این کوچه یکی از فرعی‌های خیابان چمن است.

چیدن جهاز عروس در پیاده‌رو شاید به همین سادگی به نظر برسد که بخشی از آن را برایتان توصیف کردیم، ولی همین موضوع ساده یا رسم یک عده خاص از ساکنان لایه‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد.

تصویرهای کوچک و بزرگ از مشهد که در ذهن زائران می‌ماند

چیدن جهیزیه عروس در مکانی عمومی آن هم در محل رفت‌وآمد مردم از نظر بصری کاری بسیار نازیباست و جلوه بدی به محله می‌دهد. به ویژه که افرادی که برای دیدن جهیزیه می‌آیند رفتارهای خاصی دارند. حتی آن‌هایی که فامیل نیستند و گذری از این بساط دیدن می‌کنند. نکته مهم در این زمینه عبور و مرور زائران در این محله است و تصویرهای کوچک و بزرگی است که در ذهن مسافران و زائران امام‌رضاع) می‌ماند. جالب‌تر اینکه همین تصاویر می‌شود ملاک صحبت کردن آن‌ها از شهر مشهد. وقتی با یکی از اهالی محل در این باره صحبت

می‌کنیم، می‌گوید: «این اولین باری نیست که این بساط در اینجا پهن می‌شود. افراد خاصی در این محل زندگی می‌کنند. بیشترشان در کوچه زابلی‌ها هستند. این کار توسط آن‌ها انجام می‌شود. برایشان مهم است جهاز دختر به خوبی دیده بشود.»

معناست که مردم اجازه دارند ببینند عروس و داماد قرار است در خانه چه لباس‌هایی بپوشند، دمپایی پایشان چه رنگی است، دستمالی که می‌روند چه شکلی می‌شوند، دستمالی که خودش‌شان را با آن تمیز می‌کنند توی چه جور و چه رنگ سطلی می‌اندازند، لیفی که بدنشان را می‌شویند چه جنسی است و حتی لباس‌هایی که غیر از خودش‌شان قرار نیست هیچ کس دیگر آن‌ها را ببیند در معرض دید عموم قرار می‌گیرد! یسار عکس‌هایی افتادم که چند وقت پیش از تزئین منزل عروس توی اینترنت دیده بودم. عکس‌ها تزئین دکوری‌ها، وسایل آشپزخانه و اتاق خواب‌رانشان می‌داد که تا حدی می‌توانست طبیعی باشد ولی تزئین توالت و حمام آن‌ها به شکلی بسیار خلاقانه خیلی عجیب بود. آن روز به این موضوع فکر کردم که برخی از افراد چقدر می‌توانند در کاری خلاق باشند یا نسبت به موضوعی حساسیت نشان دهند. مثلاً اتاق خواب را طوری بچینند که یک روز همه بتوانند همه‌زویای آن‌ها را زیباترین شکل ممکن ببینند. اما آیا همان اتاق خواب را طوری می‌چینند که

آن‌ها که وضع مالی بدتری دارند با شدت بیشتری انجام می‌دهند

می‌گوید برایشان مهم است جهاز دیده شود. برای همین است که همه چیز در این بساط به خوبی و با دقت چیده شده؛ طوری که همه چیز دیده شود. حتی شخصی‌ترین و جزئی‌ترین وسایلی که می‌تواند به یک فرد مربوط شود؛ این به آن

آشنایانمان در محلات دیگر زندگی می‌کنند یا حتی شهرهای دیگر. وقتی بعد از مدت‌ها می‌آیند و این صحنه‌ها را می‌بینند تعجب می‌کنند. ما این همه در محله کارهای فرهنگی و کلاس برگزار می‌کنیم، سعی می‌کنیم خانواده‌ها را آگاه کنیم، درباره صرفه‌جویی بگوییم، چشم‌وهم‌چشمی را کم کنیم، اما این اتفاق در محله می‌افتد بدون اینکه کسی مانع نشود. این بانوی فعال فرهنگی ادامه می‌دهد: «بسیاری از افرادی که در این محل زندگی می‌کنند، از نظر اقتصادی وضعیتی متوسط‌رو به پایین دارند و اصلاً در توانشان نیست این قدر وسایل تهیه کنند، ولی به هر حال دیدن این تصاویر تأثیر ناخودآگاه خودش را می‌گذارد. همین می‌شود که مسائلی چون چشم‌وهم‌چشمی، حسادت، اسراف و... مطرح می‌شود و بانوان دغدغه‌های مهم زندگی‌شان را فراموش کرده و به این چیزهایی پردازند.»



چرا در خانه‌هایتان به نمایش نمی‌گذارید؟!

یکی دیگر از اهالی محل نیز با بیان اینکه این اتفاق تصویر بسیار بدی در محل ایجاد می‌کند، می‌گوید: «خیلی از زنان و مسافرانی که برای اقامت چندروزه یا خرید به محل ما می‌آیند، فکر می‌کنند این رسم مشهدی هاست و خیلی وقت‌ها از ما می‌پرسند «چرا جهاز را در خانه‌هایتان نمایش نمی‌دهید؟» برای برخی از آن‌ها هم تفریح و سرگرمی به حساب می‌آید. خیلی از مردم هم فکر می‌کنند اجناس فروشی و بساط دست‌فروشی است.»

درنگ

وقتی خرده فرهنگ‌ها در تضاد با عرف قرار می‌گیرند

خرده فرهنگ‌ها غالباً متأثر از طبقه اجتماعی هستند، به طوری که می‌توان گفت هر طبقه اجتماعی یک خرده فرهنگ است؛ البته هر خرده فرهنگی لزوماً یک طبقه اجتماعی محسوب نمی‌شود. زیرا طبقه اجتماعی همیشه دلالت بر قشر بندی عمودی دارد. یک طبقه متضمن مفهوم «بالا تر» و «پایین تر» است؛ در حالی که خرده فرهنگ همیشه چنین مفهومی را در خود نمی‌پرواند.

طبقات اجتماعی به لحاظ ویژگی‌های زیر تولید کننده خرده فرهنگ‌های خاص خودشان هستند:

۱- از لحاظ درآمد، شغل، تحصیل، پرستیژ اجتماعی، نحوه سخن گفتن، آداب اجتماعی و حتی محل اقامت؛

۲- شیوه‌های ازدواج و همسرگزینی، نگهداری از فرزند و الگوهای زندگی خانوادگی؛

۳- گذراندن اوقات فراغت در طبقات مختلف اجتماعی؛ مانند تحصیل کرده‌هایی سوادان بار جحان برنامه‌ای که در اوقات فراغت خود دارند، خرده فرهنگ خاص خود را می‌آفرینند؛

۴- عقاید، باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های اخلاقی، دینی، سیاسی و ایدئولوژی‌های متناسب با هر طبقه به تناسب، خرده فرهنگ خاص خود را ایجاد می‌کند. برای مثال گویش‌های محلی، همسرگزینی درون گروهی یا بیرون گروهی، چگونگی برپایی آیین‌ها و مراسم اجتماعی و مذهبی هر کدام خرده فرهنگ‌هایی هستند که فرد از طبقه منحصر به خود از کودکی می‌آموزد.

مفهوم ریز فرهنگ اساساً حاکی از وجود قابل تشخیص یک فرهنگ مسلط است و در عین حال که دارای تفاوت‌هایی با انواع مشابه خود است ولی با فرهنگ کل جامعه، هماهنگی دارد. در فرهنگ معاصر و جامعه مدرن به دلیل تعدد خرده فرهنگ‌ها تشخیص فرهنگ مشترک دشوار شده است.

خرده فرهنگ‌ها و انحرافات اجتماعی

برخی خرده فرهنگ‌ها به دلایلی یا برخی از قوانین جامعه در تضاد قرار می‌گیرند. این تضادها اگر گسترده شود، می‌تواند یک خرده فرهنگ را به ضد فرهنگ یا خرده فرهنگ معارض تبدیل کند.

این انحرافات می‌تواند از رعایت نکردن فرهنگ آبارتمان نشینی و قوانین راهنمایی و رانندگی توسط برخی از انواع خرده فرهنگ‌ها با مدنیت کمتر شروع شود تا تشکیل گروه‌های مسلحانه قاچاق و دزدی ادامه یابد.

بر این اساس رفتارهای کولی‌های ساکن در کوچه زابلی‌ها، گذشته از پیامدهای اجتماعی که می‌تواند بر محله بگذارد، در برخی موارد با قوانین یا عرف نیز تضاد پیدا می‌کند. چیدن و به نمایش گذاشتن جهیزیه عروس تنها نمونه‌ای از این تضاد است.



ما این همه در محله کارهای فرهنگی و کلاس برگزار می‌کنیم، سعی می‌کنیم خانواده‌ها را آگاه کنیم، صرفه‌جویی بگوییم، چشم‌وهم‌چشمی را کم کنیم، اما این اتفاق در محله می‌افتد بدون اینکه کسی مانع نشود

رسم کولی‌ها صدای مغازه‌دارها را در آورده باشد. مرد که روی چهارپایه فلزی کوچکی زیر درخت، جلوی مغازه اش نشسته می‌گوید: «با ما کاری ندارند. دوروزی بساطشان هست بعدش جمع می‌کنند اتفاقاً ما هم سرگرم می‌شویم. آدم‌های شادی هستند. البته خب ما چون از این صحنه‌ها زیاد می‌بینیم عادت کرده ایم. از نگاه دیگران این صحنه اصلاً جالب نیست و حتی بدتر از آنچه که اهالی این محل می‌بینند». کاسب دیگری که آن طرف تر مغازه دارد هم حرف‌های مرد را تأیید می‌کند و می‌گوید: «راست می‌گویید به شهرداری بگویید درختان اینجا را آبیاری کند از تشنگی خشک نشوند؛ به این بدبخت‌ها چه کار دارید؟!»



این همه کار فرهنگی می‌کنیم...

ولی همه این نظر را ندارند، یکی از اهالی محل با انتقاد از این وضعیت می‌گوید: «این رسم مختص کولی‌ها نیست. امروز خیلی از مردم دوست دارند جهاز دخترشان را به نمایش بگذارند ولی هر چیزی حریم خودش را دارد. چرا این کار را در خانه‌شان انجام نمی‌دهند. چرا در خیابان؟ خیلی از ما اقوام

خودشان هم از آن لذت ببرند. دست کم تا چند سال اول زندگی ممکن است این اتفاق بیفتد. اما بعدش چی؟ اصلاً به این فکر می‌کنیم این همه ابزار و وسایل چه نقشی در خوشبختی ما دارند؟ جالب تر اینکه هر چقدر داشته‌هایمان از زندگی کمتر باشد، بیشتر دوست داریم به مردم نشانشان دهیم. این را می‌توان در همین رسم و رسومات دید. همان طور که یکی از اهالی می‌گوید: «برخی از این آدم‌ها که این طور جهاز می‌چینند، طوری که آدم‌ها همش با خودش فکر می‌کنند چقدر بابت این‌ها هزینه شده، اصلاً وضع مالی خوبی ندارند و اتفاقاً این کار را با شدت بیشتری انجام می‌دهند، چون نمی‌خواهند مردم بگویند چون وضعشان خوب نیست نتوانستند جهاز خوبی به دخترشان بدهند!»



از نگاه دیگران بدتر است

سراغ یکی از کاسبان محل می‌روم که مغازه اش چسبیده به فضای عقب نشینی شده است. همانجایی که کولی‌ها جهاز دخترهایشان را می‌چینند. با خود می‌گویم لاپد این

پزشک محله پورسینا ۱۵ سال پیش مطبش را در حاشیه شهر دایر کرد
تاسه می در کمک به ثبات و ماندگاری داشته باشد

اتفاقا به من ربط دارد!



همیشه به فکر افراد
نیازمند بودم و اگر
مراجعه کنندهای
از این قشر داشتم،
سعی می کردم در
حد توان کمکش
کنم. اما طوری نبود
که مطبم را هم در
دل حاشیه شهر
راه اندازی کنم

فاطمه شوشتری - هر آدمی یک «قاب» دارد. قابی که می توان در آن تصویر ظاهر و باطن افراد را جستجو کرد و بزرگ و کوچکی شان را سنجید. تصویر توی این قاب ها هم گاهی زیباست، گاهی معنادار، گاهی تلخ و گاهی ماندگار است. در این بین تصویرهای ماندگار و زیبا از آن قاب های خیلی بزرگ و برای وقت هایی است که انسان بزرگی در آن جای گرفته یا دست کم اتفاق بزرگی را رقم زده است. تصویری که این هفته در شهر آرا محله منطقه قاب گرفته شده هم مربوط به پزشکی است که از ۱۵ سال پیش تا حالا با بیماران حاشیه شهر راه آمده و حتی در رفع نیازهای آن ها تلاش کرده تا ثابت کند گاهی یک دست هم صدا دارد! دکتر سید رضا گل شائیان، پزشک خیری است که ترجیح داده به جای اینکه تنها منافع مالی و سود اقتصادی کارش را مدنظر قرار دهد، جزو استثناهایی باشد که به کمک مردم می رود. او امروز با همین نیت خیرش، نه تنها پزشک قشر ضعیف بخش هایی از حاشیه شهر است؛ بلکه معتمد و مشاورشان هم محسوب می شود. او برای نزدیکی به این مردم، حتی مطبش را به دل یکی از محلات حاشیه شهر برده. مطبی که همه جور آدم در آن پیدا می شود؛ افرادی که خبر خیر بودن این پزشک را به شهر آرا محله آوردند تا به این طریق بتوانند فقط درهای از خدمات این دکتر خیر را جبران کرده باشند. با شنیدن همین خبر در ظهر یکی از روزهای داغ تابستان راهی مطب دکتر گل شائیان در خیابان پورسینا ۴۲ شدم و در حالی بای صحبت های او نشستیم که معتقد بود دعای خیر همین مردم، بهترین زندگی را برایش رقم زده است.



همه چیز از روی صندلی مرحوم دکتر میرشاهی شروع شد

چسبید و تا مدتی ذهنم مشغول همین مسئله و آدم هایش بود. فکر کردم یک کار خیر عامه پسند انجام دهم. به طرح های مختلفی فکر کردم، ولی همه آن ها نیاز به حمایت های دولتی و سازمانی داشت. برای همین تصمیم گرفتم به سهم خودم کاری انجام بدهم. همین شد که مطب در خیابان پورسینا راه انداختم.»



سید! به هر کس مربوط نباشد به توربط دارد!

دکتر گل شائیان خیلی زود با خودش کنار می آید و تصمیم می گیرد تا در دل حاشیه شهر مطبی راه بیندازد: «برای عملی کردن این تصمیم خودم را باید آماده خیلی چیزهایی کردم که مهم ترینش بالا بردن روحیه از خود گذشتگی بود.» همان زمان به خودم گفتم: «سید! هر کس هم بگوید که این مردم و دردهایشان به ما مربوط نمی شود، تو باید بگویی اتفاقا به من ربط دارد.» با همین فکر هم با خودم کنار آمدم و هم موافقت خانواده را گرفتم. مدتی دنبال یک جا گشتم و در نهایت مطب را در خیابان پورسینا دایر کردم. چون با خودم شرط کرده بودم، در این سال ها هم

دکتر گل شائیان ۴۷ ساله، پزشکی عمومی خوانده و بیش از ۲۰ سال سابقه طبابت دارد. ۱۵ سال از این سال ها را هم در حاشیه شهر و بین مردم نیازمند و مستمند گذرانده است. خودش از اولین جرقه حضور و طبابت در حاشیه شهر چنین می گوید: «همیشه به فکر افراد نیازمند بودم و اگر مراجعه کننده ای از این قشر داشتم، سعی می کردم در حد توان کمکش کنم. اما طوری نبود که مطبم را هم در دل حاشیه شهر راه اندازی کنم. جرقه حضور در این محدوده هم نخستین بار از مطب مرحوم دکتر میرشاهی آغاز شد. ایشان سفری در پیش داشتند. برای اینکه در مطب روی بیماران بسته نماند از من خواستند تا چند روزی بیمارانشان را ببینم. بعد از چند روز معاینه و درمان بیمارانی که تعداد زیادی از آن ها وضع مالی مناسبی نداشتند و با دعای خیرشان از در خارج می شدند، حالم دگرگون شد. در واقع این اتفاق و نشستن روی صندلی دکتر میرشاهی در دل حاشیه شهر، خیلی به من





بر این روی حساب و کتاب مطب حساسم تا پولی اضافه از بیمار گرفته نشود حتی به اندازه تا ۱۰۰۰ تک تومان.»

می گویند دستم سبک است

دکتر گل شائیان نه تنها به خاطر دل بزرگی که دارد؛ بلکه به واسطه تشخیص های خوب و بهنگامش هم بین مردم شناخته شده است. بیماران می معتقدند دست او سبک است و خودش هم این حرف را سر تکرارهای زیاد مردم قبول دارد: «مدتی پیش یکی از بیماران قدیمی از همان هایی که به شدت معتقد است دستم سبک است، پدرش را که مداوم خون رافراوان دکتر برده بودند قرار بود به تشخیص و توصیه یکی از پزشکان یک روز بعد جراحی اش کنند. از پدرشان که مرد سن و سال داری بود، چند سوال پرسیدم و بعد از معاینه متوجه شدم علت خون پس دادن او جسیبیدن زالو زیر کامشان است. تا زالورا کندیم بعد از مدت کوتاهی همه مشکلاتش برطرف شد. مشکلی که تعدادی از دکترها برایش زمان جراحی گذاشته بودند.»

نجات از تصادف

آخر مصاحبه که می رسید، دکتر گل شائیان با تعریف از یک حادثه، به اثر دعای خیر بیماران اشاره می کند: «توی جاده، درست زمانی که در حال بازگشت به خانه بودم، ماشینم بین یک کامیون و خودروی دیگری قرار گرفت. خودروی پشت سری سرعت زیادی داشت. سر همین مسئله چیزی نمانده بود تصادف بدی کنم اما همان لحظه که حس کردم همه چیز تمام شده، انگار کسی ماشینم را در یک لحظه برداشت و آن طرف قرار داد. همان جا بود که حس کردم از سر همین دعاها بیماران محافظت شدم.»

بود تا بتواند فرزندش را به پزشک نشان دهد. این فقط یک نمونه بود که برایتان گفتم. در حالی که من هر روز ده ها مورد از این نمونه ها را می بینم. رایگان ویزیت کردنشان را وظیفه خودم می دانم. به خاطر همین اصلا آمار نمی گیرم چندان رایگان و چندتا با پرداخت ویزیت بوده. شاید باورتان نشود من هیچ وقت تعداد این افراد را نشمردم و امروز که شما آمار می خواهید برای اولین بار تعداد آن ها را می شمارم.

به رویش نیاوردم که پنی سیلین تاریخ گذشته است

دکتر حین شمردن بیمارانی که در طول هفته گذشته رایگان ویزیتشان کرده است، آن هم به در خواست ما، روی بعضی از اسم ها توقف می کند که معلوم است خاطره ای برایش زنده شده است. نفس عمیقی می کشد و تعریف می کند: «چند شب پیش زنی با کودک تب داری در بغل به اینجا مراجعه کرد. پول ویزیت نداشت. برای همین آمپولی همراهش آورده بود که به جای پول ویزیت بدهد. این آمپول از نوع پنی سیلین تاریخ گذشته و غیر قابل مصرف بود. با این وجود برای اینکه سر خورده اش نکنم، فاسد شدن آمپول را به رویش نیاوردم و حتی گفتم آمپولش بسیار ارزشمند است که در عوض آن ویزیتش می کنم و پول دارو هم می دهم.»

صندوقی گذاشتم برای آن هایی که پول خرید دارو ندارند

دکتر مطب ساده ای دارد. حتی الامکان دارو کم می نویسد و در مواردی هم پول دارو را به بیماران نیازمندش می دهد: «این محدوده بیمار مستحق زیاد دارد. نمی شود به روی آن چشم بست و بیماری شان را نادیده گرفت. خیلی از همین افراد وقتی دردشان را به من می گویند و نسخه می گیرند، حتی پول تهیه دارو هم ندارند. برای همین صندوقی داخل مطب گذاشتم که هر زمان بیماری پول خرید دارو را نداشته باشد، پول نسخه اش تأمین شود.»

گفتم مساجد بیمار بفرستند

از هر گوشه و کنار محله پورسینا، سراغ دکتر گل شائیان را بگیرد به آنی آدرسش دست تان می آید. کوچک و بزرگ هم ندارد، او آشنای

همسر و دو تا دخترها همراهم هستند

دکتر، امروز پدر دودختر به نام های «هلیاسادات» و «هلناسادات» است؛ دخترهایی که همچون مادرشان همراه او هستند. حتی مشوقش هم هستند تا راهی را که ۱۵ سال قبل آغاز کرده ترک نکنند. این همان چیزی است که خود دکتر هم به آن می بالد و با افتخار از آن می گوید: «خانواده همیشه همراهم هستند، به ویژه همسر. خوب یادم هست وقتی یک بار برایش از بیماری گفتم که دوروز بود هیچ غذایی پیدا نکرده بود تا بخورد؛ یعنی اصلا پولی نداشت که حتی نان بخرد. از فردای همان روز همسرم تصمیم گرفت هر چند وقت یکبار در خانه غذا درست کرده، بسته بندی کند، بدهد به من تا در بیخچال مطب نگهداری کنم و هر وقت بیماری مراجعه کرده او غذا بدهم. این تنها نمونه ای از همراهی همسرم در کار من است.»

گدایی کرده بود تا فرزندش از بیماری نمیرد

اومی گوید: «من یک پزشک هستم. درآمد خوبی می توانم داشته باشم، بهترین ماشین زیر پایم باشد و بهترین خانه هم در اختیارم اما حقیقت این است که همه چیز پول نیست.» این همان چیزی است که نه تنها ما؛ بلکه خیلی از افراد دیگر در گفتگو با او از زبانش می شنوند: حرف هایی که ادامه اش به اینجا می رسد: «بسیاری از بیمارانم، مستحق و نیازمند هستند. وقتی پایشان به مطب من می رسد، به پول نان شیشمان مانده اند، پول ویزیت که بماند برای همین است که هیچ وقت برای گرفتن پول ویزیت سخت نمی گیرم و بیشتر سعی می کنم به درمانشان اهمیت بدهم تا به جیبشان.» آقای دکتر دفتری روی میز دارد که با یک نیم نگاه می توان تعداد بالای بیماران رایگانیش را تشخیص داد. بیماران که حدود ۴۰ درصد کل مراجعاتش را در روز تشکیل می دهند. گل شائیان چنین برایمان از بیمارانش می گوید: «یک روز مادری با فرزند بیمارش وارد مطب شد. سر و وضعش نشان می داد چقدر نیازمند است. او چند جای دیگر هم رفته و تا گفته بود پول ویزیت ندارد، بیرونش کرده بودند. وقتی اینجا آمد مشتتش پر از پول خرد از ۵۰۰ تومانی و ۱۰۰ تومانی گرفته تا ۵۰ هزار تومانی بود که جمع کل مبلغ ۵۵ هزار تومان می شد. شاید باورتان نشود او از سر نداری گدایی کرده بود و آن پنج هزار تومان را جمع کرده

دختران این محدوده فقر آهن دارند. برای جبران این کمبود به فکر رسیدن در دبیرستان های دوره متوسطه اول و دوم هر ماه در چند نوبت عدسی پخش کنم

هفته نام منطقه محله می مردم مشهد

دریافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله در shahraraonline.com



- صاحب امتیاز: شهر داری مشهد
- جانشین مدیر مسئول و سردبیر: امیر جلیلی نژاد
- مدیر ضمايم: مسعود نبی دوست
- مسئول شهر آرا محله منطقه ۶: مریم قاسمی
- تلفن دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱
- تلفن دفتر شهر آرا محله منطقه ۶: ۰۵۱۳۳۶۴۱۵۳۲ داخلی ۲۶۰
- تلفن روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹۰
- دفتر مرکزی روزنامه شهر آرا: میدان شهدا، نبش دانشگاه یک
- دفتر شهر آرا محله منطقه ۶: میدان ۱۷ شهر یور، مقابل در خروجی
- پارکینگ آسمان: ساختمان ابریشم، طبقه ۴
- پست الکترونیک: mahalle6@shahrara.com

دوشنبه | ۲۶ تیر ۱۳۹۶ | شماره ۲۵۲



عمار نامه

گذری بر محله عمار یاسر

عکس: سعید گلی / شهر آرا محله

